

## بررسی قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت از نگاه حقوق بین الملل

دکتر مصطفی تقی‌زاده انصاری\*

### چکیده

شورای امنیت سازمان ملل متحد سرانجام بعد از گذشت ۴۲ روز از تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان، قطعنامه آتش‌بس ۱۷۰۱ را صادر کرد. اقدامی که متأسفانه با تأخیر صورت گرفت و همین امر باعث ورود خسارات فراوان جانی و مالی به مردم غیر نظامی و نیز به تأسیسات مهم و زیرساختهای کشور لبنان و آواره شدن مردم شد. تأخیری که با نیل به هدف اصلی شورای مزبور که همان حفظ صلح و امنیت بین المللی است، در تنافی است. این امر موجب تقویت نظر حقوقدانان مبنی بر ضرورت بازنگری در منشور سازمان ملل متحد شده است.

در این مقاله، ابعاد مختلف حقوقی این قطعنامه و ضمانت اجرای آن بررسی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** منشور سازمان ملل متحد، صلح و امنیت جهانی، شورای امنیت،

وقو، قطعنامه ۱۷۰۱.

## مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ با هدف ایجاد صلحی پایدار و ممانعت از بروز جنگ خانمان سوز دیگر یا به عرصه وجود گذاشت (۱، ص ۹۱). برای تحقق این هدف و سایر اهدافی که در منشور سازمان ملل<sup>۱</sup> و در متمم آن، به آنها اشاره شده است، سازمان ملل دارای نهادهایی شد که هر یک در جهت تحقق یکی یا برخی از اهداف سازمان، وظایفی را به عهده گرفتند. در این میان، وظیفه حفظ صلح و امنیت بین المللی به عهده شورای امنیت سازمان ملل<sup>۲</sup> گذاشته شد که در مقایسه با سایر وظایفش، بدون شک مهمترین وظیفه‌ی نهاد است (۲، ص ۲۱۷ به بعد). ولی انجام این وظیفه با توجه به ساختار این شورای از بدو ایجاد آن با چالشهایی روبرو بوده است. برخی اعضای شورای امنیت دائمی و برخی دیگر غیر دائمی‌اند. اعضاء دائمی همچنان که از نامشان برمی‌آید اعضایی‌اند که عضویتشان همیشگی است و به عبارت دیگر نیاز به تجدید عضویت ندارند. علاوه بر آن، رای این دسته از اعضاء در مواردی از ویژگی خاصی برخوردار است که اصطلاحاً «وتو<sup>۳</sup>» خوانده می‌شود. یعنی اگر در آن موارد، هر یک از این اعضاء با تصمیم گرفته شده در شورای، مخالف باشد، تصمیم اتخاذ شده را می‌توانند وتو کنند و از اعتبار حقوقی بیاندازند. امروزه پنج کشور آمریکا، انگلیس، چین، روسیه و فرانسه به عنوان اعضاء دائمی این شورای محسوب می‌شوند. اعضاء غیر دائمی نیز که تعدادشان ده تاست، کشورهای دیگری‌اند که به صورت موقت برای مدت دو سال از طرف مجمع عمومی سازمان ملل به این سمت انتخاب می‌شوند. انتخاب این اعضاء بر اساس تقسیم بندی جغرافیایی است و تجدید بلافاصله انتخاب آنها امکان پذیر نیست. بر خلاف رأی اعضاء دائمی شورای، رای این دسته از اعضاء، تاثیری بر تصمیم متخذه در مسائل مربوط به حفظ صلح و امنیت بین المللی ندارد (۲، صص ۲۱۹-۲۱۸). نکته قابل توجه آن که برای اتخاذ هر نوع تصمیمی توسط

1 - UN Charter.

2 - United Nations Security Council.

3 - Veto.

شورای امنیت سازمان ملل، رسیدن به حد نصاب نه رای، ضروری است. البته به شرط آن که تصمیم گرفته شده، با رای مخالف حتی یک عضو از اعضای دائمی شوری در مسائل مربوط به حفظ صلح و امنیت بین المللی مواجه نشود. بنابراین برای اتخاذ تصمیمی درباره مسائل مربوط به حفظ صلح و امنیت بین المللی از سوی شورای امنیت، دو شرط باید رعایت شوند: اول، رای مثبت پنج عضو دائمی شورای امنیت و دوم، رای مثبت حداقل چهار عضو از اعضای غیر دائمی آن شوری. فقد هر یک از این دو شرط، مانعی برای اتخاذ و اعمال تصمیم شورای امنیت در خصوص آن مسایل خواهد بود. تصمیمات شورای امنیت که اصطلاحاً قطعنامه<sup>۴</sup> نامیده می‌شوند، به دو گروه الزام آور و غیر الزام آور تقسیم می‌شوند. تصمیماتی که باره مسائل مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ می‌شوند، از جمله تصمیمات الزام آوراند و نه تنها کشور یا کشورهای طرف تصمیم، بلکه کلیه اعضای سازمان ملزمنند که از آن تصمیم تبعیت کنند (۳، ص ۱۹۵). قطعنامه ۱۷۰۱<sup>۵</sup> شورای امنیت سازمان ملل نیز از جمله این تصمیمات است.

### الف - ابعاد حقوقی قطعنامه ۱۷۰۱

از نظر حقوقی، قطعنامه ۱۷۰۱ در چهارچوب فصل ششم منشور سازمان ملل متحد، صادر شده است. از جمله وظایف شوری بر اساس این فصل، رسیدگی به هر اختلافی که طرفین اختلاف نتوانسته باشند بر سر حل مسالمت آمیز آن از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و غیره، به توافق رسیده باشند، حال آن که ادامه یافتن اختلاف مزبور می‌تواند صلح و امنیت بین المللی را به خطر اندازد و نیز توصیه راه حل مناسب به طرفین اختلاف است.<sup>۶</sup> آن چه که در این قطعنامه از ابتدا توجه را به خود جلب می‌کند، متجاوز شناختن گروه حزب ... در مقدمه قطعنامه است. بار حقوقی این موضوع، عدم مسئولیت رژیم صهیونیستی در خسارات وارده به

4 - R.Resolutionere.

5 - Resolution 1701 (2006), Adopted by the Security Council at its 5511th meeting, on 11 August 2006, S/RES/1701(2006) United Nations.

۶- ر.ک. مواد ۱-۳۲، ۲۷ و ۲۸ منشور سازمان ملل متحد.

لبنان و مسئول قلمداد شدن حزب ا... در وارد شدن تمام خسارات است. در متن قطعنامه از کشورها انجام اقداماتی خواسته شده است. منظور از کشورها هم کشورهای درگیر در منازعه (یعنی لبنان و رژیم صهیونیستی) و هم سایر کشورها و نیز سازمان ملل است. این اقدامات را می توانیم به چهارگروه تقسیم کنیم: نخست، اقدامات مشترک، دوم، اقدامات هر یک از طرفین منازعه، سوم، اقدامات سایر کشورها و چهارم، اقدامات سازمان ملل.

### ۱- اقدامات مشترک:

- در بند ۱ قطعنامه، از طرفین خواسته شده تا به عملیات خصمانه علیه یکدیگر خاتمه دهند.
- در بند ۸، از دو طرف خواسته شده تا از برقراری آتش بس دائم و ایجاد راه حل دراز مدت، بر اساس اصول ذیل حمایت کنند.
- ۱- احترام کامل به "خط آبی" سازمان ملل در جنوب لبنان.
- ۲- اجرای تدابیر امنیتی برای جلوگیری از اعمال خصمانه و ایجاد منطقه خالی از سلاح میان خط آبی و رود لیتانی (در ۲۰ کیلومتری عمق لبنان) و نیز تنها سلاح موجود در این منطقه باید سلاح ارتش لبنان و نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل «یونیفیل»<sup>۷</sup> باشد.
- ۳- اجرای کامل قطعنامه‌های ۱۵۵۹، ۱۶۸۰ و خلع سلاح نیروهای شبه نظامی.
- ۴- از همه طرفها خواسته شده است تا مانع رسیدن کمک به آوارگان نشوند و در راه عبور کمک‌ها از گذرگاههای امن و بازگشت آوارگان، کارشکنی نکنند.

### ۲- اقدامات رژیم صهیونیستی و اقدامات لبنان:

#### ۱-۱- اقدامات رژیم صهیونیستی:

- بند ۲ قطعنامه از رژیم صهیونیستی می‌خواهد تا همه نیروهای خود را از جنوب لبنان خارج و به پشت خط آبی سازمان ملل منتقل کند.

- رژیم صهیونیستی باید نقشه‌های باقی مانده نزد خود از مناطق مین گذاری شده در خاک لبنان را در اختیار دولت لبنان قرار دهد (بند ۸ د).
- در بند ۱۸ بر ضرورت خروج رژیم صهیونیستی از سرزمینهای اشغال شده اعراب تاکید شده است.

### ۲-۲- اقدامات لبنان:

- استقرار نیروهای ارتش این کشور با هماهنگی یونیفیل به جای نیروهای رژیم صهیونیستی، همزمان با عقب نشینی آنها (بند ۲).
- خلع سلاح شبه نظامیان و بسط سیطره نظامی خود بر خاک لبنان (بند ۳).
- جلوگیری از ورود سلاح به داخل مرزهای خود و از یونیفیل خواسته شده است تا دولت لبنان را در این خصوص یاری کند.

### ۳- اقدامات سایر کشورها:

- کمک و یاری جامعه جهانی برای باز سازی لبنان (بند ۶).
- جلوگیری از فروش سلاح به شهروندان، موسسات، نهادها و گروههای لبنانی و آموزش نظامی این گروهها، مگر آن چه را که دولت لبنان و یونیفیل اجازه داده باشند (بند ۱۵).

### ۴- اقدامات سازمان ملل

- پشتیبانی از قطعنامه‌های پیشین در شورای امنیت در ارتباط با حاکمیت و استقلال دولت لبنان در چهارچوب مرزهای بین المللی و مطابق پیمان آتش بس سال ۱۹۴۹ میان این کشور و رژیم صهیونیستی.
- حمایت دبیر کل سازمان ملل از لبنان و رژیم صهیونیستی برای حل دراز مدت بحران بر اساس بند هشتم منشور.
- اقدام دبیرکل در مورد اجرای بندهای قطعنامه‌های ۱۵۵۹ و ۱۶۸۰ و خلع سلاح و ترسیم مرزهای بین المللی لبنان و مناطق مورد اختلاف از جمله کشتزارهای شبعاء و اراکه پیشنهادهای خود ظرف ۳۰ روز به شورای امنیت (بند ۱۰).

- تجهیز نیروهای سازمان ملل (یونیفیل) به تعداد ۱۵ هزار نفر برای اعزام به منطقه.

- دبیرکل باید به اتخاذ تدابیری برای تضمین قدرت یونیفیل با هدف انجام ماموریت‌های مشخص شده در این قطعنامه بپردازد و دولتهای شرکت کننده باید از هر نوع کمک دریغ نکنند.

- از دبیر کل خواسته شده است تا ظرف یک هفته گزارشی به شورای امنیت در باره اجرای این قطعنامه ارائه دهد (بند ۱۷).

- مدت ماموریت یونیفیل تا ۳۱ اوت ۲۰۰۷ میلادی تمدید می‌شود.

همچنان که آمد قطعنامه ۱۷۰۱ در چهارچوب فصل ششم منشور سازمان ملل صادر شده و توصیه هایی به طرفین و سایر کشورها می‌کند. با توجه به برخی مفاد آنها از جمله مسئله خلع سلاح شبه نظامیان که هم به عنوان اقدام مشترک و هم به عنوان اقدام دولت لبنان پیش بینی شده، امکان بروز اختلاف وجود دارد. حال این سؤال مطرح می‌شود که در صورت عدم اجرای قطعنامه به هر دلیلی، از نظر حقوقی چه راه حلی وجود دارد و سازمان ملل چه اقدامی می‌تواند انجام دهد.

### ب- ضمانت اجرای قطعنامه

با توجه به این که اجرای قطعنامه بر عهده طرفین اختلاف و سایر کشورها و سازمان ملل گذارده شده است، لذا باید به چگونگی برخورد هر یک از این گروه با قطعنامه بپردازیم. در این زمینه آن چه که مربوط به سازمان ملل می‌شود، قطعاً به اجرا در می‌آید و مشکل خاصی در این باره مطرح نمی‌شود. تنها مسئله قابل بحث، موضوع تعیین تکلیف مرزهای بین المللی و مناطق مورد اختلاف از جمله کشتزارهای شبعاً است که از دبیرکل سازمان ملل خواسته شده تا ظرف ۳۰ روز گزارش خود را در این موضوع تحویل شورای امنیت کند. در مورد کشتزارهای شبعاً، رژیم صهیونیستی اعتقاد به تعلق مزارع مذکور به سوریه دارد و اظهار می‌کند که این کشتزارها هرگز در حاکمیت لبنان نبوده است و لذا لبنان نمی‌تواند ادعائی نسبت به آنها داشته باشد. حال آن که لبنان معتقد است که این مزارع متعلق به آن کشور است و از این رو تا زمانی که

نیروهای رژیم صهیونیستی در آن به سر برند از نظر حقوق بین الملل، حق ادامه مبارزه برای آزاد سازی آن را دارد. تعیین تکلیف این موضوع می‌تواند از طریق بررسی مدارک و اسناد و نیز تحقیق محلی و گفتگو با ساکنین منطقه به عمل آید. نتیجه تحقیق باید به شورای امنیت گزارش شود تا آن شورای در نهایت، نسبت به وضعیت حقوقی آن، تصمیم مناسب را اتخاذ کند.

در رابطه با اجرای قطعنامه از طرف سایر کشورها نیز بعید به نظر می‌رسد که آنها به خصوص در وضعیت کنونی، مفاد قطعنامه مزبور را رعایت نکنند. اقدامات سایر کشورها عمدتاً حول دو مسئله دور می‌زند: یکی کمک و یاری کردن برای باز سازی لبنان و نیز ارائه کمکهای بشر دوستانه (که حتی در زمان جنگ نیز شروع شده بود و برخی از کشورها قول مساعد برای باز سازی لبنان نیز داده‌اند) و دیگری، جلوگیری از فروش سلاح به شهروندان، موسسات، نهادها و گروههای لبنانی و آموزش نظامی این گروههاست، مگر آن چه را که دولت لبنان یا یونیسفیل، اجازه داده باشند (بند ۱۵) که این مسئله اگر رعایت نشود موضوع می‌تواند برای اعمال برخی مجازاتها بر علیه کشور خاطی در شورای امنیت سازمان ملل مطرح شود.

و اما در خصوص اجرای قطعنامه از جانب طرفین منازعه، چنانچه هر یک از دولتهای لبنان و رژیم صهیونیستی از اجرای قطعنامه خودداری کنند و این امتناع، دوباره خطر وقوع جنگ را به وجود آورد و صلح و امنیت بین المللی را تهدید کند، موضوع می‌تواند مجدداً در شورای امنیت سازمان ملل مطرح شود و این شورا از نظر حقوقی می‌تواند، نهایتاً در چهارچوب فصل هفتم منشور سازمان ملل، در برخورد با وضعیت پیش آمده، هر نوع تدبیری که لازم بدانند، از جمله استفاده از قوه قهریه را به کار بندد.

### ج - قطعنامه آچسون، بررسی شرایط دفاع مشروع و عدم قبول ادعای دفاع پیشگیرانه

قطعنامه ۱۷۰۱ در شرایطی به تصویب سازمان ملل رسید که بیش از ۳۰ روز از جنگی خانمان سوز می‌گذشت و انسانهای بی گناه بسیاری در لبنان در اثر اقدامات غیر قانونی رژیم صهیونیستی که بر خلاف کلیه موازین حقوق بین الملل به جنگ

پرداخته بود، کشته شدند. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا امکان انجام اقدامی زودتر، از سوی سازمان ملل وجود نداشت؟ آیا استناد به دفاع مشروع از طرف رژیم صهیونیستی، از منظر حقوق بین الملل، استنادی درست است؟

در مورد سؤال نخست باید گفت که به موجب قطعنامه‌ای موسوم به قطعنامه اتحاد برای صلح (قطعنامه آپسون) که در ۳ نوامبر ۱۹۵۰ با ۵۲ رای موافق، ۵ رای مخالف و ۲ رای ممتنع به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است (۳، صص ۱۹۲-۱۹۳)، در کلیه مواردی که شورای امنیت به دلیل عدم توافق پنج عضو دائمی، نتواند به وظیفه خود که همانا حفظ صلح و امنیت بین المللی است رفتار کند، مجمع عمومی سازمان ملل باید فوراً مسئله را مورد بررسی قرار دهد و به تصویب توصیه‌های لازم به اعضای سازمان برای انجام اقدامات دسته جمعی که می‌تواند شامل به کار بردن قوای نظامی جهت برقراری صلح و امنیت بین المللی شود، بپردازد. چنانچه تهدید علیه صلح، بر هم زدن صلح و اقدام به تجاوز، زمانی خارج از اجلاس عادی مجمع عمومی اتفاق بیفتد، بنا به تقاضای اکثریت ۹ عضو شورای امنیت (بدون اعمال حق وتو)، یا بنا بر تقاضای اکثریت اعضای سازمان ملل از دبیرکل، او باید مقدمات تشکیل جلسه فوق العاده مجمع عمومی را ظرف ۲۴ ساعت فراهم آورد. بنابراین با توجه به عدم اقدام شورای امنیت در موضوع تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان و فلج شدن آن شوری، به دلیل ممانعت برخی از کشورهای عضو دائم مانند آمریکا و انگلیس از هر نوع تصمیم‌گیری، این امکان بود که به استناد قطعنامه آپسون، موضوع را به مجمع عمومی سازمان ارجاع کرد و با توجه به این که در مجمع عمومی آرای کلیه اعضا، دارای ارزشی برابرست و تصمیمات بر مبنای اکثریت عددی اتخاذ می‌شوند و حق وتو وجود ندارد، لذا می‌شد از این طریق قطعنامه آتش بس را بدست آورد. همچنان که مجمع عمومی از این طریق در ۱۹۵۶ در قضیه کانال سوئز و در ۱۹۶۰ در قضیه کنگو، اقدام به اعزام نیروهای حافظ صلح به منطقه مورد نزاع کرد (۴، صص ۲۶۶ به بعد). حال چرا این اقدامات صورت نگرفته به نظر می‌رسد که مسائل سیاسی عامل آن بوده باشد.





در رابطه با سؤال دوم باید گفت که تهاجم رژیم صهیونیستی به هیچ وجه منطبق با هیچ یک از قواعد حقوق بین الملل از جمله دفاع مشروع نیست. رژیم صهیونیستی مدعی است که اقدام آن کشور بعد از اسیر شدن دو تن از سربازانش از طرف نیروهای مقاومت حزب الله در چهارچوب دفاع مشروع به عمل آمده است و حقوق بین الملل این حق را به کشور مزبور می‌دهد که از خود دفاع کند! باید گفت که اگر چه حق دفاع مشروع در حقوق بین الملل پذیرفته شده ولی استفاده از این حق تحت شرایطی امکان پذیر است. به موجب ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، حق دفاع مشروع فقط در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک کشور برای کشوری که مورد حمله قرار گرفته است، به وجود می‌آید (۱، ص ۲۶۶). بر اساس این ماده، هیچ یک از مقررات منشور به حق ذاتی دفاع مشروع، خواه به طور منفرد یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. بنابراین، به موجب نص صریح ماده ۵۱ منشور، فقط در صورت تهاجم نظامی، کشوری که مورد تهاجم واقع شده است می‌تواند از خود دفاع کند. ناگفته نماند که در این حالت نیز دفاع باید متناسب با حمله باشد (۵، صص ۲۳۹-۲۳۸). در هر حال، همان‌طور که ذکر شد، بر اساس ماده ۵۱ منشور، دفاع مشروع فقط در برابر تهاجم نظامی قابل توجیه است. مطلب دیگر این که دفاع مشروع باید متناسب با تهاجم صورت گرفته باشد و نباید منتهی به اقدامات تلافی جویانه شود. با استناد به این قاعده نیز تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان از نظر حقوقی محکوم است و اقدام آن رژیم اشغالگر، نوعی رفتار تلافی جویانه محسوب می‌شود که از منظر حقوق بین الملل مردود و مطرود است (۱، صص ۲۷۸ به بعد). از این رو اسیر شدن دو سرباز نمی‌تواند توجیه کننده تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان با این حجم عملیات تخریبی باشد زیرا این تهاجم متناسب با اسیر شدن دو سرباز آن رژیم، نیست. تهاجم رژیم صهیونیستی نه تنها بر خلاف مقررات منشور سازمان ملل شکل گرفته بلکه ناقض مقررات بین المللی شناخته شده در رابطه با چگونگی رفتار در زمان جنگ، مانند عدم حمله به اماکن مسکونی و غیر نظامیان نیز است. مثلاً در قطعنامه مورخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۴۸ مجمع جامعه ملل<sup>۱</sup>، بمباران مناطق غیر نظامی، مخالف حقوق بین الملل شناخته شده

بود. همچنین به موجب ماده ۵۱ پروتکل الحاقی شماره ۱ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۷۷ به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، مناطق غیر نظامی مصون از تعرض شناخته شده‌اند. بر اساس کنوانسیون مذکور، هدف قراردادن نا متمایز اهداف نظامی و غیر نظامی ممنوع است. همچنین به موجب ماده ۱۵ پروتکل دوم کنوانسیون ژنو، بمباران باندها، سدها و ... ممنوع شده است (۶، صص ۱۴۷-۱۴۶).

البته رژیم صهیونیستی و برخی از کشورها معتقد به نظریه دفاع پیشگیرانه‌اند. بر اساس این نظریه، یک کشور، می‌تواند به منظور جلوگیری از حمله کشوری به خود، به حمله پیشگیرانه دست زند. ولی این نظریه از جانب اغلب حقوق دانان رد شده است (۴، ص ۳۰۸).

## نتیجه

تعلل و درنگ شورای امنیت در صدور قطعنامه آتش بس بین لبنان و رژیم صهیونیستی، در حالی که صدور قطعنامه آتش بس در این گونه موارد اولین گام در راه حفظ صلح و امنیت جهانی است، تا آن که اعضای شورای بتواند متعاقبا به بررسی عمیق و ریشه‌ای مسئله بپردازند، کاملا مبین سیاست زدگی آن شورای است. این امر موجب شده تا شورای امنیت به دلیل اغراض سیاسی برخی از کشورها، عمدتا کشورهای دارای حق وتو، نتواند به صورت عادلانه و بر اساس قواعد حقوقی حتی خود سازمان ملل، به انجام وظیفه حفظ صلح و امنیت بین المللی بپردازد. لذا برای این که سازمان ملل از این وضعیت وابستگی به برخی قدرتها خارج شود و اعتبار بین المللی خود را باز یابد، بسیاری از حقوق دانان ضرورت بازنگری در منشور را مطرح می‌کنند. ولی باید گفت که بازنگری در منشور نیز الزاما نیاز به موافقت همین قدرتها دارد! لذا به نظر نمی‌رسد که سازمان ملل بتواند در این خصوص نیز اقدام موثری انجام دهد. شاید ایجاد یک سازمان جهانی دیگر و یا تقویت سازمان غیر متعهدا بتواند در این خصوص از نظر حقوقی کار ساز باشد.

مع الوصف مجمع عمومی سازمان ملل می‌توانست با توجه به قطعنامه آجسون با اقدام به موقع، این درنگ نایجای شورای امنیت را جبران سازد با توجه به این که در مجمع عمومی حق وتو وجود ندارد و آرای کلیه اعضاء، ارزشی برابر دارد و تصمیمات بر مبنای اکثریت عددی گرفته می‌شود، لذا مقدور بود که قطعنامه آتش بس، از این طریق به دست آید اما متأسفانه شاهد این اقدام هم نبودیم.

اما ادعای رژیم صهیونیستی مبنی بر توجیه تهاجم خود به خاک لبنان و عملیات تخریبی انجام گرفته با استناد به قاعده دفاع مشروع، از نظر حقوقی ادعایی کاملاً ناصحیح و نارواست زیرا دو شرط در توسل به این قاعده وجود دارند که در قضیه مربوط به حمله رژیم صهیونیستی به لبنان، شاهد عدم رعایت این دو شرط بودیم؛ یکی آن که فقط در صورت تهاجم نظامی، کشوری که مورد تهاجم واقع شده است می‌تواند از خود دفاع کند. دوم آن که در صورت تحقق شرط اول، دفاع باید متناسب با حمله باشد و نباید منتهی به اقدامات تلافی جویانه شود. ملاحظه می‌شود که با توسل به قاعده دفاع مشروع نیز تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان از نظر حقوقی محکوم است زیرا اقدام آن رژیم اشغالگر، نوعی رفتار تلافی جویانه محسوب می‌شود که متناسب با اسیر شدن دو سرباز آن رژیم، نیست. هدف قراردادن نا متمایز اهداف نظامی و غیر نظامی توسط رژیم صهیونیستی و بمباران زیرساختهای کشور لبنان مانند پلها نیز اقدامی در خلاف مصرح کنوانسیونهای بین المللی است که توجیه حقوقی ندارد، به ویژه آن که نظریه دفاع پیشگیرانه توسط اغلب حقوقدانان پیشرفته نشده است.

## منابع

- ۱- آنتونیو کاسسه، حقوق بین الملل در جهانی نامتحد، ترجمه دکتر مرتضی کلانتریان، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران ۱۳۷۰.
- ۲- دکتر محمد رضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات گنج دانش، چاپ هفدهم، تهران ۱۳۸۱.
- ۳- دکتر مصطفی تقی زاده انصاری، حقوق سازمانهای بین المللی، نشر قومس، تهران ۱۳۸۰.
- ۴- مایکل آکهرست، حقوق بین الملل نوین، ترجمه دکتر بهمن آقائی، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم تهران ۱۳۷۶.
- ۵- دکتر مصطفی تقی زاده انصاری، ترمینولوژی حقوق بین الملل به سه زبان فرانسه، فارسی و انگلیسی، انتشارات دادگر، تهران ۱۳۸۲.
- ۶- شارل روسو، حقوق مخاصمات مسلحانه، ج اول، ترجمه دکتر سید علی هنجنی، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین المللی، تهران ۱۳۶۹.